

شیوه‌های تربیت جوانان مهدی باور

زکبه محمد^۱، نفیسه ایران پور^۲

چکیده

مسئله راه‌کارهای عملی مقدمه‌سازی برای ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه له از مباحث بنیادین و ضروری گفتمان مهدویت است. هر نهادی در جامعه، به اندازه میزان تأثیرگذاری خود در این مهم سهم بسزایی دارد. در این میان، خانواده که اولین و تأثیرگذارترین نهاد جامعه است از طریق تربیت نیروی جوان و نسل جدید، نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. مقاله حاضر بر آن است تا ابتدا اهمیت جوانان در زمینه‌سازی ظهور بقیه الله عجل الله تعالی فرجه له را خاطر نشان کند و سپس از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر آیات و روایات، هم ویژگی‌های دوران جوانی که ظرفیت‌ساز تربیت مهدی باوری است را برشمارد و هم راه‌کارهای عملی-تربیتی در این زمینه ارائه دهد. از نظر نویسنده، خصوصیات دوران جوانی مانند عقل، شور و نشاط، حقیقت‌جویی و استقلال‌طلبی، بستری مناسب برای رویش باور مهدویت در جوانان را فراهم می‌کند که خانواده و جامعه از طریق هدایت‌گری نامحسوس همراه با مراقبت و ملاحظت، الگوسازی و ولایت‌مدارانه، توجه به سلامت محوری جسمی و روحی و ازدواج بهنگام قادر خواهند بود این نیروی جریان‌ساز را در مسیر صحیح مهدی باوری و مهدوی باوری قرار دهند.

واژگان کلیدی: جوانان، تربیت مهدی باوران، زمینه‌سازی ظهور، مهدی باوری.

۱. مقدمه

مهدویت از مسائل اساسی درگذشته و حال بوده و فراتر از افق زمان و مکان در هر شرایطی قابل بررسی است؛ زیرا مهدویت ریشه در فطرت انسان دارد و با خمیرمایه وجود آدمی همراه شده است. در طول تاریخ حتی پیش از اسلام مردم به منجی جهانی دل بسته بودند و امروزه نیز میلیون‌ها انسان محروم و مظلوم در انتظار آینده درخشان و فارغ از ظلم و ستم، لحظه‌شماری می‌کنند. این آرزوی کهن و سابقه‌دار چه زمانی به آخر می‌رسد و آن عزیز دور از نظر، چه زمانی دل‌های پریشان را آرامش می‌بخشد؟ باید منتظر بود.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از نیجریه.
۲. مدیر گروه علمی - تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

قرآن کریم به انسان‌ها نوید می‌دهد که سرانجام خوبی پیش‌روی آنهاست، آینده‌ای مطمئن همراه با رفاه و آرامش بدون اضطراب و دغدغه‌های فکری. رسیدن به مدینه فاضله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند دیگر تحولات اجتماعی، نیازمند آمادگی و زمینه‌سازی است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرده و شرایط لازم برای تحقق آن را فراهم کرد.

تاکنون به صورت عام، درباره منجی و مصلح جهانی و به صورت خاص، درباره ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آثار مکتوب زیادی نوشته شده، به گونه‌ای که کتاب‌ها و مقالات قدیم و جدید در این موضوع قابل شمارش و بررسی نیست. همچنین در زمینه شخصیت و صفات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علائم ظهور، حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امثال آن، منابع زیادی در اختیار است، اما در خصوص زمینه‌سازی مهدویت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با نگرش تربیتی، اثری تدوین نشده است.

از آثاری که در زمینه مهدویت نوشته شده، کتاب *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، تألیف آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی است. این کتاب روایات در باب مهدویت را از منابع شیعه و سنی جمع‌آوری کرده و اثری مفید و قابل استفاده است. همچنین کتاب *دادگستر جهان اثر آیت‌الله ابراهیم امینی* که به شیوه مناظره به نگارش درآمده و مباحثی از جمله آغاز عقیده به مهدی، مهدی در ادیان، فلسفه غیبت، علائم ظهور، جهان در عصر مهدی و... را بیان می‌کند. کتاب *حکومت جهانی مهدی* عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی نیز به سؤالات مطرح شده در زمینه حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ داده و از مدعیان دروغین مهدویت سخن می‌گوید. با مطالعه آثار مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، این نتیجه به دست می‌آید که هیچ یک موضوع را از نظر تربیتی بررسی نکرده‌اند. بیشتر مباحث، پیرامون ویژگی‌های خود حضرت و اتفاقات زمان ظهور و دولت کریمه است. بنابراین، نوآوری مقاله حاضر نسبت به آثار موجود این است که با رویکرد تربیتی به موضوع مهدویت پرداخته و زمینه‌سازی ظهور را از نظر تربیتی در نهاد خانواده و جامعه با تمرکز بر ظرفیت جوانان، بیان کرده است.

زمینه‌سازی ظهور در ابتدا ریشه در تقویت مهدی باوری در افراد جامعه دارد. به هر میزان که در بعد معرفتی این باور تقویت شود، به همان میزان فعالیت‌های اصلاحی و انتظاری بیشتر می‌شود. جوانان با توجه به خصوصیات منحصر به فردی که دارند، بهترین افراد جامعه برای سرمایه‌گذاری در این عرصه هستند. هر تمدنی برای شکل‌گیری و ادامه حیات خود، بیشتر بر قشر جوان تکیه می‌کند، پس در استقرار و تداوم دولت کریمه مهدوی هم، جوانان نقش بسزایی دارند. مقاله حاضر در ابتدا ویژگی‌های دوران جوانی را بیان کرده و سپس راه‌کارهای پیشهادی در تربیت جوانان مهدی باور را ارائه می‌دهد.

۲. ویژگی‌های دوران جوانی

دوران جوانی، دورانی بسیار حساس است؛ زیرا از یک طرف، تمام غرایز و تمایلات در جوان شعله‌ور بوده و زبانه می‌کشد و از طرفی دیگر، دنیایی از احساسات و عواطف در جوان بروز کرده و شکوفا می‌شود، احساساتی که بسیار ضربه‌پذیر و حساس است. علاوه بر اینها، جوانی دوره‌ای است پراز آمال و آرزوها و تخیلات دور و دراز که فکر جوان را احاطه می‌کند و جوان به اصطلاح در یک دوره ایده‌آلیستی به سر می‌برد. اگر غرور و خودپسندی نیز بر این خصوصیات افزوده شود، شخصیت جوانی و دوره حساس جوانی را نمایان می‌سازد. (مظاهری، ۱۳۸۷، ۱/۱۹)

وقتی فردی به دوران جوانی می‌رسد با علم به اینکه به بهار عمر خود رسیده و قدرت انجام بسیاری از کارها را دارد، می‌تواند بزرگ‌ترین و بهترین کارهایی را که در نظر داشته انجام دهد و در اوج سربلندی باشد، اما هنوز بسیاری از مسائل را نمی‌داند و بعضی از امور را درک نکرده است. به همین دلیل ممکن است از مسیر درست، منحرف شود. (کریمیان، ۱۳۸۷، ص ۴۷)

۱-۲. عقل

عقل جوان، هر چند که ناپخته و مثل نهالی نوپاست، ظرافت ویژه‌ای دارد که جوان باید از آن مدد بگیرد. این ویژگی، همان جوانی و شادابی است. عقل درختی است که میوه و ثمره‌اش تفکر، تذکر و تنبه است و قوه‌ای است که خوبی‌ها را از بدی‌ها تمییز می‌دهد. (مظاهری، ۱۳۸۷، ۲۱/۱-۲۲)

جسم و جان جوان در حرکتی همه‌جانبه، پیوسته رو به رشد است. در پیکر پرازرمز و راز جوانان، هر لحظه تحولی عظیم صورت می‌گیرد. نیروی عقل جوان، هر روز و هر شب در جایگاه متکامل‌تری قرار می‌گیرد و این تحول تا نهایت سنین جوانی ادامه دارد و در واقع یکی از شاخصه‌های جوانی، وجود همین سیر تکامل اوست (کریمیان، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

۲-۲. شور و نشاط جوان

شادی و نشاط پدیده‌ای طبیعی و از نیازهای اساسی و لازمه زندگی انسان است. جوانی، فروغ تابناک سپیده دمان زندگی است. رمز طرب‌انگیز و دل‌نواز جویباران، شمیم پاک سحرگاهان، باران زندگی بخش آسمان و دست سخاوتمند طبیعت در برابر انسان است که مخزن همه گنجینه‌های حیات بخش عالم شمرده می‌شود. جوانی، فصلی بسیار حساس و با اهمیت از دوران حیات آدمی است. روزگار بر آمدن، فراز شدن و بهره‌وری و دوران مبارزه، مقاومت و رویارویی با مشکلات، و گاهی پذیرش مسئولیت، تعهد، احساس استقلال و خودکفایی است. (میری، ۱۳۸۷، مجله گلبرگ، شماره ۱۰۰)

اسلام و تعالیم اسلامی هیچ‌گاه میل جوانی را سرکوب نمی‌کند، بلکه در مواردی، شور و نشاط، جوان را تشویق نیز می‌کند، البته در مواردی نیز برای آن حد و مرز قرار داده تا این میل در حد تعادل خود رشد کند و فرد را از مسیر حرکت صحیح خود باز ندارد. بعضی از جوانان، متأسفانه با پوشیدن انواع لباس‌های غربی و منحرف‌کننده، نوعی فساد را در جامعه ترویج می‌دهند فقط به این بهانه و دلیل که نوگرا هستند. اینان با جهالت پیرو فرهنگ غربی شده و به بهانه نوگرایی با ارزش‌های اسلام مبارزه می‌کنند، بدون آنکه بدانند به فساد اجتماعی دامن می‌زنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قل من تشبه بقوم الا اوشک ان یکون منهم؛ کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کرده و از همان گروه نگشته باشد». (رضی، ۱۳۸۵، ص ۶۶۸، حکمت ۱۹۷)

استاد مطهری می‌فرماید:

بعضی از مقدس‌مآبان و مدعیان تبلیغ دین، به نام دین با همه چیز به جنگ بر می‌خیزند. شعارشان این است که اگر می‌خواهی دین داشته باشی به همه چیز پشت پا بزن. دنبال ما و ثروت نرو، حیثیت و مقام را ترک نکن، زن و فرزند را رها کن از علم بگیر که حجاب اکبر و مایه گمراهی است، شاد مباش و شادی نکن از خلق بگیر و به انزوا پناه ببر و امثال اینها. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۵۶-۵۷)

۲-۳. استقلال طلبی

جوان در حال تجربه کردن حس استقلال طلبی است و از تعلق و وابسته بودن گریزان. او می‌خواهد خود بیاندیشد، خود تصمیم بگیرد و خود رفتار کند. با آنکه ممکن است رفتارها و تصمیم‌هایش نادرست باشد، اما به دلیل حس استقلال طلبی و خودپسندی همه عوارض این گریز از تعلق را پذیرفته و بر پای خود می‌ایستد. اگر والدین یا حتی معلمان، جوان را به دلیل استقلال طلبی، همواره به خود واگذار کنند، جوان دچار مشکل می‌شود. شاید حتی این خوی مثبت او به خلق ناهنجار تبدیل شود. از سویی، عدم اعتماد به جوان و با زبان کودکانه با او سخن گفتن و در ریز و درشت امور او دخالت کردن، نه تنها اثر منفی دارد، بلکه او را عصیان‌گرو پندگریز خواهد کرد. این حس تاثیر بسزایی در حق‌پذیری جوان دارد چرا که کورکورانه عقاید گذشتگان را نمی‌پذیرد.

روحیه عقل‌گرایی و منطقی بودن جوان باعث می‌شود که به دنبال نظریه درست باشد و حرف حق را بپذیرد. «... فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» پس بشارت ده آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آنها را (به لطف خاص خود) هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند...». (زمر: ۱۷-۱۸)

۳. اهمیت به جوانان از نظر امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ

جوانان عدالت خواه، آزادی طلب و حقیقت جو، همواره در شمار نخستین کسانی هستند که به ندای منادیان حق و عدالت پاسخ می دهند. پیروی جوانان در دوران تاریک جاهلیت از آرمان های عالی انسانی و الهی حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم از همین نمونه است. آنان با پیوستن به رسول صلی اللہ علیہ وسلم در پیشبرد هدف های الهی آیین اسلام از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و تا مرز شهادت جان فشانی کردند. (ریبی، ۱۳۹۰) جوانی، دوران جداسدن از زندگی خانواده و دست یابی به استقلال است. جوان می خواهد مستقل عمل کند و با این خواسته اش، تظاهرات و ارزش جدیدی پیدا کند. بسیاری از موارد زندگی و اقتباس از مدها و شیوه های جدید است که البته در مواردی می تواند خطر آفرین باشد. بسیاری از آنان در اندیشه منظومه سازی هستند. از مجموعه و نظام گذشته و از خانواده و بستگان بریده و دنیای جدیدی برای خود پدید می آورند که پراز نوآوری است. جوان، زندگی مستقل خود را جدا می کند در عین حال از چنان قدرتی برخوردار نیست که بتواند آن را اداره کند (قائم امیری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴). جوان با وجود استقلال خواهی، بر مشارکت جویی پافشاری کرده و تلاش می کند توانایی روی پای خود ایستادن را به دیگران نشان دهد (پورامینی، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

۴. راه کارهای عملی تربیت جوانان مهدوی باور

مهدی باوری مانند سایر رویکردهای تربیتی، فرآیندی مستمر و تدریجی است که متولیان این امر از جمله خانواده و جامعه باید به آن توجه خاص داشته باشند. هدایت گری همراه با مدارا، الگوسازی و اسوه پذیری ولایت مدار، سلامت محوری و ازدواج بهنگام از جمله راه کارهای پیشنهادی است.

۴-۱. هدایت گری همراه با مراقبت و ملاحظت

انسان، روحیه زیباگرایی و حسن زیبایی طلبی دارد. اسلام نیز به این روحیه توجه داشته و در ابعاد مختلف زندگی به رعایت زیبایی سفارش کرده است. برای مثال در نماز در دیدار با دوستان در زندگی مشترک خانوادگی و در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی. جوانان، شور و نشاط ویژه ای دارند به گونه ای که دوست دارند همواره در اجتماع، تازه، زیبا و بانشاط ظاهر شوند، البته این امر واکنش ساده جوان در برابر حس خود دوستی اوست که در برخی روایات با عنوان شره الشباب ذکر شده است. (خادمی کوشا، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

امام علی علیه السلام دو پیراهن خرید. یکی را به سه درهم و دیگری را به دو درهم و فرمود ای قنبر! پیراهنی را که سه درهم است، تو بردار. قنبر گفت: تو به آن شایسته و سزاوارتری که به منبری روی و برای مردم خطبه می خوانی. فرمود: نه، تو جوانی و در تو آرزوی جوانان است و من از خدای خود

آزم می‌کنم که از تو بهتر بپوشم. (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ۱/۱۸)

اسلام ضمن رعایت روحیه زیباخواهی افراد و به خصوص جوانان، راه‌کارهایی را برای زیبایی چهره و بدن در نظر گرفته مانند آرایش و بهداشت. جوان باید توجه داشته باشد که روحیه نشاط جوانی، نباید او را به خودباختگی فرهنگی سوق دهد و ظاهر آراسته مذهبی و ملی خود را رها کرده و مانند افراد لابلالی و بی‌شخصیت، جلوه کند. جوان، نیاز به عشق و محبت دارد. جوان دوست دارد به دیگران محبت کند و مورد محبت آنها قرار گیرد؛ زیرا محبت، نیازی اصیل بوده که در جوان شدیدتر است. جوانان می‌خواهند به افراد بیشتری محبت کنند، دامنه دوستی‌هایشان را گسترش داده و از سوی افراد بیشتر مورد محبت قرار گیرند. والدین و مربیان، باید پیشاپیش زمینه‌چگونه عشق‌ورزی و ابراز محبت را به جوانان بیاموزند و خود نیز در گفتار و کردار، دوستی و محبت را به آنها نشان دهند. (شریفی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱)

استاد مطهری می‌فرماید:

نیروی محبت از نظر اجتماعی، نیرویی عظیم و مؤثر است. بهترین اجتماع، جامعه‌ای است که با نیروی محبت اداره شود. محبت و شفقت که زیرساخت رحمت الهی است، باید در فرایند تعلیم و تربیت در نظر گرفته شود. محبت کارهای سخت را آسان می‌کند و کسی که رفق و مدارا را برمی‌گزیند، شدید بر او آسان و نرم می‌شود. کسی که راه ملامت را پیش گیرد، هر کار سخت بر او آسان می‌شود. محبت انسان را نرم می‌کند. کسی که اخلاقی نیکو شود، دوستانش بسیار می‌شود و مردم با او انس می‌گیرند. (سبزعلی سنجانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳)

کمبود محبت و بی‌توجهی به جوان، باعث خودکم‌بینی و احساس حقارت در او شده و عقده‌های درونی در جوان پدیدار می‌شود. جوانان در دوره بسیار حساسی به سر می‌برند، پس والدین باید با اکرام و احترام ویژه‌ای با آنها رفتار کنند. در چنین شرایط بحرانی و حساس، شخصیتی ناپایدار، کم‌حوصله و زودرنج در وجود جوانان شکل می‌گیرد. باید برخی از اوقات، خطاهای جوانان را نادیده گرفت و از آنها چشم‌پوشی کرد. دوران جوانی، موقعیتی بسیار حساس و بحرانی است. در این دوران، بیش از هر چیز باید جوان را درک کرد و تغییرات جسمی و روحی او را پذیرفت و با محبت، ملاحظت و ظرافتی ویژه با او برخورد کرد. (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ۲/۲۴۱) برخورد محبت‌آمیز و هنرمندانه والدین و مربیان می‌تواند به جوانان کمک کند تا ناپختگی دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و نشانه‌های بزرگی و رشد را در خود احساس کنند (آقا تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۳-۴۵۴).

صفات و اخلاق پسندیده یا ناپسند خانواده در هدایت یا گمراهی فرزندان اثر مستقیم دارد.

پدران و مادران در پرورش شخصیت زشت یا زیبای نونهالان خویش، مسئولیت بزرگ و حساسی برعهده دارند. فرزندان رستگار و بزرگوار در خانواده‌های اصیل و پرهیزکار ریشه دارند. خانواده‌هایی که با تهذیب نفس توانسته‌اند به کمال فردی و اجتماعی دست یابند و در اجرای واجبات الهی و ترک محرمات، الگویی نیکو برای فرزندان خود باشند. (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

۴-۲. الگوسازی و اسوه‌پذیری ولایت‌مدار

در دوران جوانی، گرایش به دین و معارف دینی، ظاهر می‌شود. در این دوران، روحیه کنجکاوی و پرسش‌گری در حوزه آموزه‌ها و معارف دینی اوج گرفته و جوان را به عرصه پرسش‌ها و پژوهش‌هایی فراگیر فرا می‌خواند. روحیه حقیقت‌جویی و پرسش‌گری جوان را باید ارج نهاد و برای او چنان محیطی فراهم کرد که به طوری کامل بتواند در حوزه عقاید و معارف دینی اقتناع شود. جوان در این عرصه به طور مداوم نیازمند آگاهی بخشی والدین و راهنمایی افراد صالح، آگاه و خیراندیش است. گرایش به الگو، افکار جوان را منسجم و نظام‌مند کرده و به او این امکان را می‌دهد که استعدادها و توانمندی‌های ذهنی خود را در راستای اهداف و کمالاتی که در پی آنهاست، سازمان‌دهی کرده و از هدر رفتن آنها جلوگیری کند.

جوان با مشاهده، همت والا و تلاش و کوشش‌های سازنده، الگو و سرمشق می‌گیرد که او نیز به جای سستی و تنبلی و مشغول شدن به کارهای بیهوده و نیز به جای غرق شدن در یک زندگی معمولی روزمره با کوشش و پشتکار بیشتر، به حیاتی ارزشمند و متعالی دست یابد تا در آینده علاوه بر موفقیت در زندگی فردی، برای جامعه نیز فردی مفید و تأثیرگذار باشد. (مصباح، ۱۳۸۰، صفحه ۸)

جوان در این عرصه، بیش از هر چیزی نیازمند حمایت و محبت است. روحیه پژوهش‌گری جوان در حوزه معارف دینی را باید ارج نهاد و با کمال محبت، ظرفیت و سعه صدر به او پاسخ داد (آقا تهرانی و کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۶).

یکی از ویژگی‌های دوران جوانی، الگوپذیری است. جوان به دنبال شخصی می‌گردد تا رفتارش را با او تنظیم کرده و از او تقلید کند. جوان، شیفته شخصیت‌های علمی، هنری و ورزشی می‌شود. در نتیجه این شیفتگی، درصد برمی‌آید تا خود را در نوع لباس پوشیدن، نشست و برخاست، راه رفتن و سخن گفتن، به الگو نزدیک‌تر کرده و با او هماهنگ‌تر شود. گاهی نیز این علاقه به جایی می‌رسد که جوان، بدی‌ها و زشتی‌های فرد الگو را ندیده و او را از هرگونه عیب و نقص، پاک می‌داند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «چشم انسان علاقه‌مند از دیدن عیب‌های محبوب خویش نایبناست و گوشش در شنیدن زشتی‌های وی ناشنواست». جوان، به دنبال الگو و اسوه‌ای است تا رفتار و منش خود

را با او هماهنگ کند. بنابراین، باید در انتخاب الگو بسیار دقت کند. (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

جوان مانند آیین صاف، و مانند آب، زلال است. اشیاء، رویدادها و رفتارها را در خود منعکس می‌کند. تأثیری که الگو دارد، موعظه ندارد. در نتیجه جوانانی که به مسجد می‌روند، الگوهایشان کسانی هستند که به مسجد راه دارند و در نتیجه به مسجد علاقه مند می‌شوند. اگر پدران و مادران با متریبان و فرزندان‌شان در یک مسیر قرار داشته و از یک الگو پیروی کنند، تضاد از میان برداشته می‌شود و این در سلامت روانی جوانان نیز مؤثر خواهد بود. شکی نیست که اگر الگوها با الگوگیرنده هم سنخ باشند، تأثیرشان بیشتر است. وقتی ساعت‌ها درباره موضوعی تبلیغ و سخنرانی می‌شود، تأثیرش به اندازه عمل چند لحظه‌ای یک جوان نیست. (صداقت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱ تا ۱۵۲)

جوانان به دلیل کمال خواهی و علاقه مندی به رشد و ترقی، به دنبال نمونه‌ها و مدل‌های موفق هستند. جوان، به دلیل شرایط سنی، تمنیات، خواسته‌ها و آرزوهایی که دارد، می‌خواهد در ردیف بهترین‌ها و موفق‌ترین‌ها باشد، پس آنها را جست‌وجو کرده و در پی آنها می‌رود. در حال حاضر، گرایش بیشتر جوانان، به صمیمیت، شجاعت، زیبایی، ایمان، سواد و دانش، هنر و استقلال فردی است. بنابراین در هر کس این صفات را به صورت بارز و مشخص تر بینند، به او علاقه مند می‌شوند. در قرآن هم اشخاص مانند انبیاء و مؤمنان، اسوه‌ای هستند که این صفات در آنها در حد کمال دیده می‌شود. (محمدیان، ۱۳۹۱، MOHAMMADIAN.IR)

قرآن، پیامبران را به عنوان الگو معرفی کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...؛ برای شما در رسول خدا الگوی بسیار نیکویی است...». (احزاب: ۲۱) در نظام و دکتترین تربیت مهدویت، اسوه و الگویی معرفی می‌شود که جامع‌ترین و تکامل یافته‌ترین اسوه‌ها و الگوها در طول تاریخ بشری است. تمام فضیلت‌ها و مکارم اخلاق و معنوی همه پیامبران و امامان علیهم‌السلام را یکی به ارث برده و در وجود کامل خویش به ظهور رسانده است.

جوانان باید اسوه‌های قرآنی داشته باشند. هر چه جوانان به قرآن نزدیک شوند، صفا و معنویت بیشتری در آنها جلوه‌گر شده، به همان نسبت از انحراف و فساد اخلاقی دور می‌شوند. جوان، باید اسوه اسلامی باشد. در طول تاریخ، جوانان لبیک‌گوی دعوت‌ها، و بهترین یاران و انصار بوده‌اند. (آقاتهرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۱)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جوانان را باور داشت. هنگامی که شایستگی آن‌ها را در احراز مسئولیت‌ها به دست می‌آورد از توانمندی‌شان استفاده می‌کرد و به آنها مسئولیت می‌داد. هیچ اعتراض، نکوهش و پی‌آمدی هم سبب نمی‌شد حضرت از تصمیمش بازگردد، بلکه براساس باور خویش با صلابت و قاطعیت مقاومت می‌کرد. همین باور حضرت موجب شد که محفل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محفل جوانان شده و یاران حضرت از این قشر برگزیده شوند. (بابایی، ۱۳۹۴) رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «براستی که

خداوند، مرا بشارت دهنده و هشدار دهنده برانگیخت، پس جوانان با من پیمان بستند و پیران، به مخالفت برخاستند» (کلینی، ۱۳۶۹، ۵/۵۲۱).

۳-۴. سلامت محوری

بدن، مرکب نفس است و نفس باید در سیر تکامل خود از بدن بهره کامل بگیرد. ملاصدرا بر این باور است که نفس، تا آنجا که به بدن نیاز دارد، به تدبیر آن می پردازد و همین که نیازش کم شود، تدبیر را کم و کمتر می کند تا روزی که به کلی بی نیاز شود و قطع تدبیر نموده و از این عالم به عالم دیگر انتقال یابد. (شیرازی، ۱۳۴۸، ص ۳۵) روح سالم، مظهر آزادگی است. بردگی و عبودیت از روح بیمار حکایت می کند. آنان که برای مال و منال و جاه و مقام، تن به ذلت داده و زبان به تملق و چاپلوسی می گشایند، بیمارند و در عین حال، محدودند از اینکه از سلامت بدن بهره و حظ وافی نگرفته اند. (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۵۷) وقتی انسانی سالم و نیرومند بی جهت در خود احساس ضعف و سستی و رخوت می کند، معنایش این است که روحش ناسالم است (سبحانی نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۳). از مهمترین عوامل شکوفایی استعداد های جوان، نیرومندی و شادابی جسم به همراه طراوت و پویایی فکر و جان است. توانمندی و نشاط جسم و جان، گام نخستین در عرصه سازندگی و خودسازی است (آقا تهرانی؛ کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۴۸۵). تقویت قوای جسمانی و بهره گیری از لذایذ و کامیابی های مشروع زندگی، زمینه ساز موفقیت در برنامه های معنوی، و طلیعه رسیدن به قله های رفیع کمال انسانی است. چنانچه پیامبر ﷺ از صحف ابراهیم چنین گزارش داد:

بر خردمند است که تا عقلش شکست خورده، برنامه وقت هایش را چنین تنظیم کند.
زمانی برای راز و نیاز یا پروردگار، زمانی برای حساب رسی از خود، زمانی برای اندیشه در نعمت هایی که خداوند برای او آفریده و زمانی برای بهره گیری از خوشی ها و لذت های حلال.
همانا این زمان، یاری کننده دیگر زمان ها باشد و دل را آرام گرداند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۵۲۵/۱۳)

۴-۴. ازدواج بهنگام و موفق

جوانی که تحت تربیت دینی در هنگام نیاز به همسر، ازدواج می کند، تمام وقت خود را صرف همسر و تهیه نیازمندی های او کرده است. آن گاه پس از گذشت مدت زمانی، برایش روشن شده همان غذایی که پیش تر با توجه به ساختار زندگی خانوادگی خود و امکانات مادی موجود می خورده، پس از ازدواج نیز خورده است. او همسری در کنار خود داشته که در سایه اش آرامش روحی پیدا کرده و ذهنش مشغول جذب دیگران نبوده، پس زندگی اش با انتخاب همسر، جهت داده شده و بیشتر به کار و فعالیت پرداخته و از اوقات فراغت خود، بهترین بهره را برده و به جای هزینه کردن

اموال برای سیگار، مواد مخدر و پارتنی های دوستانه، آن را در راه تهیه وسایل زندگی مصرف کرده است. (عابدینی، ۱۳۸۶، ص ۷۰)

از توصیه های مهم دین اسلام تشکیل خانواده است. حکمت ها و مصلحت های نهفته در ازدواج تا آنجاست که ده ها آیه و صدها روایت درباره اهمیت و فضیلت ازدواج، بیان شده است. معصومان علیهم السلام پیروان خود را که ازدواج نکرده بودند، آشکارا به ازدواج تشویق می کردند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

تَزَوُّجًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ.

ازدواج کنید. ازدواج، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. آن جناب فرمودند: هر که می خواهد از سنت من پیروی کند، بداند که ازدواج، سنت من است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۹/۵)

دین اسلام ازدواج را بسیار مهم دانسته و آن را از بنیان های بسیار مقدس و محبوب خدا معرفی می کند، تا آنجا که آن را حلال مشکلات جوانان دانسته و می فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر کس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده، پس باید برای حفظ دیگر از خداوند پرهیز کرده و تقوا پیشه کند». (امالی، ۱۴۱۴، ص ۵۱۸) از دیدگاه اسلام، هدف از ازدواج، آرامش و سکون در افراد جامعه است و جالب آنکه در قرآن مجید این نقش آرام بخش از آیات و نشانه های الهی معرفی شده است (سبحانی نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۳). «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا...؛ و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید...» (روم: ۲۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرَ.

شخصی که ازدواج می کند در حقیقت نصف دین و آیین خود را حفظ کرده، پس براو لازم است که برای حفظ باقیمانده آن، تقوای الهی را پیشه خود سازد. (مستدرک الوسائل، ۱۵۴/۱۴)

بهار ازدواج، دوران جوانی است. در این دوران، شور و نشاطی مخصوص بر انسان حاکم است. این فرصت البته با شرایط و زمینه های خود، راهی است که شخص از آن نهایت فایده و لذت را احساس می کند و شور و صفا در این سنین، بیشتر به چشم می خورد. والدین باید زمینه رشد فرزندان را ایجاد کرده، برای فراهم شدن موقعیت ازدواج فرزندان و دوری از گناه و معصیت آنها، خود را مسئول بدانند. آنها باید برنامه ای سنجیده برای فرزندان داشته و از غفلت و بی توجهی پرهیز کنند؛ زیرا بی خیالی و بی تدبیری، اثرات منفی و سوویی را در پی خواهد داشت. هر چند از نظر اسلام، ازدواج به خودی خود مستحب است، ولی در جایی که ترک گناه منوط به آن باشد، آن را واجب می داند. فقهای عالی مقام می فرمایند: «کسی که به دلیل نداشتن آن، به حرام می افتد،

واجب است زن بگیرد». (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۵، مسئله ۲۴۴۳) دین اسلام برای مقابله با انحراف های جنسی، وظیفه بسترسازی ازدواج را متوجه پدر خانواده و حاکم اسلامی کرده است (سبحانی نیا، ۱۳۸۷، ص ۹۶).

والدین، مربیان و مسئولان باید تدابیری در نظر بگیرند که نوجوانان و جوانان در ابعاد مختلف جسمی، جنسی، عقلی و اجتماعی، عاطفی و اقتصادی به طوری هماهنگ و متناسب رشد کنند. آنچه در حال حاضر دیده می شود، عدم هماهنگی در رشد و بلوغ جنسی و جسمی و احساس نیاز به ازدواج با دیگر ابعاد رشدی، یعنی رشد عقلی، اجتماعی و اقتصادی و عاطفی نوجوانان و جوانان است. بنابراین، یا با رسیدن به بلوغ جنسی اقدام به ازدواج می کنند در حالی که از نظر عقلی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی به حد رشد مناسب نرسیده اند و یا سال ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی، منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش نیازهای زندگی باقی می مانند که در نتیجه، یا به آن دست نمی یابند و یا وقتی به آنها می رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزه ازدواج را ندارند. در هر صورت، زندگی آنان آسیب پذیر و در معرض خطرهای جدی است. (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۲۰) راه صحیح ارضای غریزه جنسی، ازدواج قانونی است. رسول خدا ﷺ می فرماید: «ای گروه جوانان! هر که از شما که قدرت ازدواج دارد، حتما اقدام کند؛ زیرا این خود بهترین وسیله است که چشم را از گناه های آلوده و عورت را از بی عفتی محافظت می کند» (سبحانی نیا، ۱۳۸۷، ص ۹۵-۹۶).

۵. نتیجه گیری

مهدویت باوری با تربیت جوانان رابطه عمیق و محکمی دارد و هر چه این رابطه عمیق تر شود، تربیت هم به صورت صحیح تری صورت می گیرد. مبانی تربیت رفتار مهدوی در اداره امور کشور جهانی عبارتند از قرآن کریم، سیره رسول خدا ﷺ و عدالت محوری. انسان، نهاد خانواده و نظام حکومت اسلامی، هر کدام از نظر تربیتی، وظایفی نسبت به زمینه سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند که باید به مسئولیت خود عمل کنند تا کم کم زمینه قیام آن حضرت فراهم شده و محرومان جهان از انتظارها ششوند. ویژگی های دوران جوانی مانند عقل، شور و نشاط، استقلال طلبی و حقیقت جویی، بهترین ظرفیت را برای تحکیم مهدویت باوری در جوانان ایجاد می کند. امام خمینی رحمته الله علیه هم در پی ریزی انقلاب اسلامی، برای جوانان جایگاه و اهمیت زیادی قائل بود. هدایت گری همراه با مدارا و ملاحظت، الگوسازی و اسوه پذیری ولایت مدار، سلامت محوری و ازدواج بهنگام از راه کارهای عملی تربیت جوانان مهدوی باور خواهد بود.

منابع

- *قرآن کریم (۱۳۶۳). مترجم: الهی قمشه ای. تهران: انتشارات صالحی.
- *نهج البلاغه (۱۳۸۵). مترجم: دشتی، محمد. اصفهان: پارسیان.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). خصال. قم: جامعه مدرسین.
 ۲. اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۶). روش های اثرگذار در هدایت نسل جوان، مجله طوبی. شماره ۱۷. ص ۱۶-۱۷.
 ۳. آفاترانی، مرتضی... و وحیدرکاشانی، محمد باقر (۱۳۹۳). خانواده و تربیت مهدوی. تهران: کتاب یوسف.
 ۴. انصاری، علیرضا (۱۳۸۲). جوان و ازدواج، مجله مصباح. شماره ۹. صفحه ۱۶-۲۲.
 ۵. بابایی، فهیمه (۱۳۹۴). دین جوانان و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. شماره ۱۲۴. صفحه ۴.
 ۶. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن (۱۳۸۵). توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سبزه نواز مراجع معظم تقلید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۷. محمدیان، محی الدین (۱۳۹۱). نقش الگوها در تعلیم و تربیت جوانان. MOHAMMADIAN.IR
 ۸. بهشتی، احمد (۱۳۸۶). تربیت فرزند در اندیشه والای علوی. نشریه النهج (پژوهش های نهج البلاغه). شماره ۲۱ و ۲۲. صفحه ۵۱.
 ۹. پورامینی، محمد باقر (۱۳۹۱). سیمای قرآن جوان. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
 ۱۰. خادمی کوشا، محمد علی (۱۳۸۶). جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام. قم: بوستان کتاب.
 ۱۱. ربیعی، سکینه (۱۳۹۰). جوان و پاک فطرتی، مجله طوبی. شماره ۱۷. صفحه ۱۹-۲۵.
 ۱۲. سبحانی نیا، محمد (۱۳۸۷). بررسی مسائل جوانان. قم: بوستان کتاب.
 ۱۳. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۱). جوان و اعتماد به نفس. قم: بوستان کتاب.
 ۱۴. سبزه علی سنجانی، بتول (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت با دوستی و محبت تحقق می یابد. مجله رشد مشاور مدرسه، ۴ (۳)، ۳۳-۳۵.
 ۱۵. شریفی نیا، محمد (۱۳۸۰). جوانی و تربیت از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه. مجله تربیت اسلامی، ۵، ۱۲۶-۱۶۲.
 ۱۶. شیرازی، سید صدرالدین... سجادی، سید جعفر (۱۳۴۸). قوای نفسانی انسان ترجمه از مفتاح الغیب. پایگاه مجلات تخصصی نور. مجله معارف اسلامی، ۹، ۳۰-۴۰.
 ۱۷. صداقت، محمد عارف (۱۳۸۷). جوان و جوانی در سیره اهل بیت علیهم السلام. قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه.
 ۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی. قم: نشر دارالثقافة.
 ۱۹. طبرسی، میرزا حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). قم: موسسه آل البيت لاحیا التراث.
 ۲۰. عابدینی، احمد (۱۳۸۶). پلی به دنیای نسل جوان. قم: بوستان کتاب.
 ۲۱. الفتال النیسابوری، محمد بن حسن (۱۳۶۶). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. تهران: نشر نی.
 ۲۲. قائمی امیری، علی (۱۳۹۳). خانواده در اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۲۳. کریمیان، حسین (۱۳۸۷). نگاهی به ویژگی های دوران جوانی، مجله پیام زن، ۱۹۹، ص ۴۶-۵۰.
 ۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۹). اصول کافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی.
 ۲۵. محمدی ری شهری، محمد (بی تا). حکم النبی الأعظم صلی الله علیه و آله. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
 ۲۶. مسعودی، محمدرضا (۱۳۸۹). هنر شور و نشاط جوانی. سایت آفتاب آنلاین.
 ۲۷. مصباح، علی (۱۳۸۰). جوان و الگوها، مجله دیدار آشنا، ۱۶، صفحه ۱۱-۵.
 ۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امدادهای غیبی در زندگی بشر. تهران: صدرا.
 ۲۹. مظاهری، حسین (۱۳۸۷). اخلاق و جوان مباحث اخلاقی. قم: انتشارات شفق.
 ۳۰. میری، سید حسین (۱۳۸۷). جوان و الگوها. مجله گلبرگ (ویژه روز جوان)، ۱۰، ۱۲-۱۷.
 ۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. الاحیاء التراث.